

Original Article

Investigating Arraignment and its Proofs in Penal Trial Procedures by Looking at Ethical Principles

Azam Soroushnejad¹, Ahmad Ramezani^{2*}, Mansour Atasheneh³

1. Ph.D. Student in Criminal Law and Criminology, Department of Law, Qeshm Branch, Islamic Azad University, Qeshm, Iran.
2. Assistant Professor and Faculty Member, Department of Criminal Law and Criminology, University of Science and Culture, Tehran, Iran. (Corresponding Author) Email: ramezani@usc.ac.ir
3. Assistant Professor and Faculty Member, Department of Law, Ph.D. in International Trade Law, Chamran University, Ahwaz, Iran.

Received: 5 Oct 2019 Accepted: 25 Jun 2020

Abstract

Background and Aim: Being influenced by the global pattern of fair trial and adopting modern approaches, the law on the penal trial procedures, passed in 2013, has distanced away from the inquisitive system in the stage of the preliminary investigations and it has interconnected these stages with the legal ethics drawn on the Islamic teachings with its example being observable in the arraignment based on the ethical teachings in the courts. The present study's goal is the investigation and elaboration of the position of the lawsuit parties' awareness and its manifestations in the process of the penal trial with a glance at Iran's penal trial procedures and in the light of the ethical teachings.

Materials and Methods: The present article will be carried out based on a descriptive-analytical method through the use of library-documentary research.

Findings: the relationship between the ethics and the laws is a sure issue scientifically confirmed by the jurisprudents and jurists. Amongst the topics that can be specifically used for exploring and investigating these two's relationship is the ethics in the trial process with its most important stage being preliminary investigation and arraignment.

Conclusion: The regulations related to the arraignment right of the lawsuit parties have undergone important changes with reliance on the ethical teachings and the evolutions brought about in the law on the penal trial procedures. the legislator has been seeking to make the preliminary investigations more adversary and provide all the lawsuit parties with equal possibilities hence he has been inclined towards accusatory system. The right of having information about a right is in many of the cases not less important than the right itself.

Keywords: Arraignment; Ethics; Defendant's Rights; Code of Criminal Procedure

Please cite this article as: Soroushnejad A, Ramezani A, Atasheneh M. Investigating Arraignment and its Proofs in Penal Trial Procedures by Looking at Ethical Principles. *Bioethics Journal*, Special Issue on Bioethics and Citizenship Rights 2020; 279-293.

بررسی تفهیم اتهام و ادله آن در آیین دادرسی کیفری با نگاهی به اصول اخلاقی

اعظم سروش‌نژاد^۱، احمد رمضانی^{۲*}، منصور عطاشنه^۳

۱. دانشجوی دکتری رشته حقوق کیفری و جرم‌شناسی، گروه حقوق، واحد قشم، دانشگاه آزاد اسلامی، قشم، ایران.

۲. استادیار و عضو هیأت‌علمی گروه حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشگاه علم و فرهنگ، تهران، ایران. (نویسنده مسؤل) Email: ramezani@usc.ac.ir

۳. استادیار و عضو هیأت‌علمی گروه حقوق، دکتری تخصصی حقوق تجارت بین‌الملل، دانشگاه چمران، اهواز، ایران.

دریافت: ۱۳۹۸/۷/۱۳ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۱/۵

چکیده

زمینه و هدف: قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ با تأثیرپذیری از الگوی جهانی دادرسی عادلانه و با اتخاذ رویکردهای نوین، از نظام تفتیشی در مرحله تحقیقات مقدماتی فاصله گرفته است و این مراحل را با اخلاق حقوقی که برگرفته از تعالیم اسلامی است، پیوند داده است که نمود آن را می‌توانیم در تفهیم اتهام با بهره‌گیری از آموزه‌های اخلاقی در محاکم مشاهده نماییم. هدف ما در این مقاله مطالعه و تبیین جایگاه اصل آگاهی طرف‌های دعوا و جلوه‌های آن در فرایند دادرسی کیفری با استناد به آیین دادرسی کیفری ایران و در پرتو آموزه‌های اخلاقی می‌باشد.

مواد و روش‌ها: مقاله حاضر به شیوه توصیفی - تحلیلی و با استفاده از روش کتابخانه‌ای - اسنادی انجام می‌یابد.

یافته‌ها: رابطه میان اخلاق و حقوق امری مسلم و مورد تأیید عملی حقوقدانان و فقها می‌باشد. از جمله مباحثی که به طور خاص می‌توان رابطه این دو را مورد کنکاش و بررسی قرار داد، اخلاق در فرآیند دادرسی است که مهم‌ترین مرحله آن تحقیقات مقدماتی و مسأله تفهیم اتهام می‌باشد.

نتیجه‌گیری: مقررات ناظر به حق تفهیم طرف‌های دعوی با اتکا به آموزه‌های اخلاقی و تغییراتی که در قانون آیین دادرسی کیفری ایجاد شده است، تحولات مهمی را نشان می‌دهد آنطور که مقنن در پی توافقی کردن هرچه بیشتر تحقیقات مقدماتی و دادن امکان برابر به همه طرف‌های دعواست و در نتیجه، گرایش به سوی نظام اتهامی دارد. حق اطلاع از دارا بودن یک حق در بسیاری از موارد اهمیت کم‌تر از اصل آن حق نیست.

واژگان کلیدی: تفهیم اتهام؛ اخلاق؛ حقوق متهم؛ قانون آیین دادرسی کیفری

مقدمه

از جمله مهم‌ترین ارتباطات علم حقوق با سایر علوم، رابطه بین علم حقوق و اخلاق است که باید در تمام زمینه‌های حقوقی از جمله در مباحث شکلی و قضایی و در چارچوب قواعد حاکم بر مراحل دادرسی مورد توجه قرار گیرد. با تدقیق در محتوای قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲، می‌توان حساسیت مقنن ایرانی را نسبت به رعایت دقیق اختیارات و تکالیف مقامات قضایی و ضابطان دادگستری بر حق تفهیم حقوق بزه‌دیده - بزه‌کار، گواهان و سایر افراد ذی‌نفع در پرونده‌های کیفری، کاملاً لمس نمود. مفاد این قانون بیانگر موشکافی مقنن از اصول بنیادین حاکم بر تفهیم حقوق طرف‌های دعوا و پرداختن به جلوه‌هایی از حق مذکور برای طرف‌های دعوا در فرایند دادرسی کیفری می‌باشد که یکی از این اصول، هرچند به صورت مصرح درج نگردیده است، بحث رعایت اخلاق در تفهیم اتهام می‌باشد.

در این راستا، ضمن اینکه ادله و نشانه‌های مختلفی در قانون بر توجه و اهتمام قانونگذار نسبت به اصل تفهیم اتهام در فرایند دادرسی کیفری دلالت دارند، لازم است که دادرسان و مقامات ذی‌صلاح نیز در موارد اختیار و ابتکار عمل نسبت به خوانش قوانین و تصمیم‌گیری، اخلاقی‌ترین تفسیر را برای رعایت عدالت در رابطه با تفهیم اتهام پیشه نمایند.

در این مقاله پس از ارائه تعریف و بیان ویژگی‌های تفهیم اتهام با تکیه بر اصول اخلاقی، به ترسیم جلوه‌های این حق در قانون آیین دادرسی کیفری و تبیین ابزارها و ضمانت اجراهای مربوط به آن خواهیم پرداخت.

مفهوم تفهیم اتهام

یکی از مهم‌ترین حقوق دفاعی متهم، حق تفهیم اتهام یا حق آگاهی و کسب اطلاع از علل و جهات دستگیری است. تعاریف متعددی از تفهیم اتهام ارائه شده است: «تفهیم اتهام عبارت است از مطلع شدن متهم از مفهوم اتهام به وسیله ضابط دادگستری قبل از شروع تحقیقات به منظور اطلاع و اقدام در جهت دفاع از حق قانونی خود. به عبارت دیگر، منظور از تفهیم اتهام آن است که هر متهمی از ماهیت اتهام جزایی خود قبل

از شروع تحقیقات مطلع باشد تا بتواند وسایل دفاع مناسب را تهیه نماید» (۱).

همچنین گفته شده است: «اعلام رسمی عمل یا اعمال مجرمانه به متهم از سوی قاضی تحقیق به زبان و به شیوه‌ای که با توجه به وضعیت خاص هر متهم برای او قابل درک باشد» (۲).

علاوه بر این، با توجه به مواد قانونی می‌توان گفت «تفهیم اتهام عبارت است از آگاه کردن متهم از دلایل و عنوان قانونی جرمی که وی به جهت قرارگرفتن در مظان ارتکاب آن تحت تعقیب قرار گرفته است، به طور کتبی و به زبانی که وی متوجه آن شود» (۳).

در تعریفی دیگر، «منظور از تفهیم اتهام، این است که متهم از موضوع جرم یا جرائم انتسابی به خود و ادله و مستندات آن آگاه شود تا بتواند آگاهانه از خود دفاع کند. به عبارت دیگر منظور از تفهیم اتهام، اعلام صریح و روشن عنوان مجرمانه‌ای است که به متهم نسبت داده می‌شود تا بدین ترتیب وی بداند، برای ارتکاب چه عملی سزاوار سرزنش و قابل تعقیب کیفری شناخته شده است» (۴).

همچنین، «تفهیم اتهام به مفهوم اعلام رسمی عمل یا اعمال مجرمانه به متهم از سوی قاضی تحقیق، به زبان و شیوه‌ای که با توجه به وضعیت خاص هر متهم برای او قابل درک باشد، آمده است» (۵).

لذا منظور از تفهیم اتهام و مبنای آن، این است که «متهم از موضوع جرم و یا جرائم انتسابی به خود و کلیه دلایل و مستندات آن آگاه شود تا بتواند آگاهانه از خود دفاع کند. نمی‌توان از انسانی انتظار داشت که در برابر جرم ناشناخته و دلایل غیر معلوم پاسخگو باشد و بی‌مقدمه از خود دفاع نماید» (۶).

از تفهیم اتهام علاوه بر (اعلام آن) به متهم، ضرورت تبیین و تشریح اتهام به زبانی که متهم به آن آشنایی دارد، استنباط می‌گردد (۷).

در مجموع می‌توان گفت، منظور از تفهیم اتهام، اعلام صریح، روشن و مشخص عنوان مجرمانه‌ای است که به شخص متهم نسبت داده شده است تا او از این امر آگاه شود که به

واسطه ظن ارتکاب چنین عملی مستحق تعقیب کیفری شناخته شده است (۸).

مفهوم اخلاق

اخلاق، جمع خُلُق و خُلُق است به معنای سرشت، خوی، طبیعت و امثال آن؛ که به معنای صورت درونی و باطنی و ناپیدای آدمی به کار می‌رود و با بصیرت درک می‌شود، در مقابل خُلُق که به صورت ظاهری انسان گفته می‌شود که با چشم قابل رؤیت است (۹).

در عین حال شایع‌ترین کاربرد اصطلاحی اخلاق در میان اندیشمندان اسلامی عبارت است از «صفات نفسانی راسخ و پایداری که موجب می‌شوند افعالی متناسب با آن صفات به سهولت و بدون نیاز به تأمل و تروی از آدمی صادر شود (۱۰).

مفهوم‌شناسی حق سکوت

سکوت در لغت عبارت است از خودداری از گفتن و حرف نزدن و خاموش ماندن. در مفهوم حقوقی نیز سکوت، یعنی عدم اعلان اراده صریح باطنی که امری سلبی است (۱۱).

فارغ از مباحث و انگاره‌های فلسفی موجود در رابطه با حق سکوت متهم، عموماً وقتی صحبت از حق بی‌پاسخی یا سکوت انسان متهم به میان می‌آید، از یکسو بدین معناست که متهم که برای کشف واقع، به نظام عدالت کیفری فراخوانده شده و مخاطب پرسش‌هایی از سوی کارگزاران قضایی قرار گرفته است، (می‌تواند) آزادانه و بدون هیچ دغدغه‌ای از پاسخگویی به آن پرسش‌ها و تحقیقات شانه خالی کند و انتظار پرسشگر قضایی را در حصول به پاسخ، ناتمام گذاشته و از این طریق از حداقل امکان تضمین حقوق دفاعی خویش بهره‌مند شود. از سوی دیگر با استمساک به این حق در مرحله دادرسی در دادگاه، از گواهی‌دادن علیه خود امتناع نموده و از حق خود در به زیر سؤال بردن ادله ارائه‌شده علیه خود دفاع ننماید، لذا این حق را می‌توان عقیم‌گذاشتن فرایند دوجانبه پرسش و پاسخ قضایی از سوی متهم «در فرایند دادرسی با تأکید بر بازجویی‌ها دانست. به عبارت دیگر، حق مزبور از سوی متهم به منظور

اجتناب از خود اتهامی و برای حمایت از خود در برابر بازجو مورد استفاده قرار می‌گیرد».

بنابراین این حق را می‌توان مصونیت ویژه‌ای دانست که در اختیار متهمان تحت بازجویی یا محاکمه قرار دارد که آنان را از مجبورشدن به پاسخگویی به سؤالات و یا ارائه دلیل در فرایند رسیدگی رها می‌سازد (۱۲).

ارتباط اخلاق و حقوق

ارتباط حقوق و اخلاق از پیشینی‌ترین مباحث فلسفه حقوق است تا آنجا که مدخل بیشتر نوشته‌های آن را تشکیل می‌دهد؛ امری که طبیعی می‌نماید، زیرا برای فهم حقوق باید آن را از نظام‌های مشابه بازشناخت و اخلاق شبیه‌ترین نظام رفتاری به حقوق است (۱۳).

اصل تساوی سلاح‌ها در دادرسی کیفری و در زمان تفهیم

اتهام با تأکید بر آموزه‌های اخلاقی

در این خصوص جدای از مسائل حقوقی در یک جدال یا مبارزه، اخلاق حکم می‌کند که طرفین ابزار و شرایط یکسان داشته باشند، در مرحله دادرسی و در مرحله تحقیقات مقدماتی در جهت صدور کیفرخواست مجموعه دادرسی در مجرم قلمداد نمودن متهم دارند و متهم سعی در بی‌گناه جلوه‌دادن خود دارد، در این بین اخلاق حکم می‌کند که طرفین از تساوی سلاح‌ها برخوردار باشند، مثلاً متهم در همان مراحل اولیه وکیل داشته باشد. همان‌گونه که اخلاق بر این امر حکم می‌نماید، در قانون آیین دادرسی کیفری نیز پیش‌بینی گردیده که از طرح سؤالات تلقینی به متهم خودداری شود که این مهم در جهت رعایت اخلاق در دادرسی می‌باشد. در واقع یکی از اصول راهبردی در قانون آیین دادرسی کیفری حمایت از حقوق افراد است که در آن حمایت از متهم و حقوق دفاعی وی جایگاه خاصی دارد. متهمی که یکی از اصحاب دعوای کیفری می‌باشد و نیازمند استفاده از ابزارهای دفاعی در جهت زدودن برچسب اتهام از خود در برابر ادله و مدارک طرف‌های دیگر دعوی، یعنی دادستان و شاکی، می‌باشد. این حقوق باید

به نحوی تدوین گردد که حمایت حداکثری را از متهم داشته باشد (۱۴).

بنابراین با ایراد اتهام به شخص متهم، وی وارد فرآیندی از دادرسی کیفری می‌شود که یک طرف آن حکومت با تمام اختیارات و امکانات قرار دارد تا در برابر متهم بایستد و در طرف دیگر متهمی قرار دارد که در برابر قوای حکومتی ناتوان است؛ در نتیجه باید به متهم این امکان داده شود تا بدین وسیله از خود دفاع کند.

اگر هیچ تمهیدی اندیشیده نشود، در واقع نظام حکومتی به او ستم کرده است. برای جلوگیری از این لازم است، متهم از حقوقی برخوردار باشد که از خود دفاع کند. بدین ترتیب حقوق متهم را می‌توان مجموعه‌ای از قواعد دانست که قانونگذار در جهت حمایت از متهم در برابر تعرضات قوای حکومتی، دفاع هرچه بهتر وی در برابر اتهام انتسابی و ایجاد شرایطی در جهت حفظ کرامت انسانی وی وضع نموده است که عدم رعایت آن دارای ضمانت اجرا می‌باشد. بی‌شک صرف پیش‌بینی حقوق دفاعی متهم در مقررات قانونی، هرچند هم که جامع و کامل باشد، نمی‌تواند در عمل منجر به بهبود وضعیت حقوق دفاعی متهم در روند رسیدگی به اتهامات کیفری شود، بلکه می‌بایست در دومین گام، قانونگذار تضمینات لازم را در جهت آگاهی متهم از حقوق دفاعی خود پیش‌بینی نماید. یکی از مهم‌ترین این مصادیق، مربوط به حق تفهیم اتهام می‌باشد، به این معنا که متهم از همان ابتدای فرایند رسیدگی به جرم از موضوع اتهام و دلایل آن آگاهی داشته باشد (۱۵).

اطلاع از ماهیت و سبب اتهام، یکی از مهم‌ترین تضمینات حقوق دفاعی متهمان در تمام مراحل رسیدگی‌های کیفری به شمار می‌رود که مورد شناسایی جهانی قرار گرفته و در اسناد بین‌المللی حقوق بشر بازگو شده است. «ردیف «الف» بند ۳ ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، این حق را مورد تصریح قرار داده است. این وظیفه اطلاع‌رسانی عبارت است از یک شرح و توصیف قانونی دقیق از جرم (ماهیت) و وقایع نهفته در ورای آن (علت)؛ متهم باید از فعل و ترک فعل

منتسب به او به بیانی که عرفاً برای افراد جامعه قابل فهم باشد، مطلع گردد» (۱۶).

ویژگی‌های حق تفهیم اتهام با استناد به اصول اخلاقی

با نگرشی در الفاظ و کلمات استعمال شده در قانونگذاری از حیث حق تفهیم اتهام به متهم می‌توان ویژگی‌هایی برای استفاده از این حق عنوان کرد که در ادامه به آن‌ها اشاره می‌شود. هر کدام از ویژگی‌های ذیل با اخلاق و حقوق پیوندی دیرینه دارند.

۱- فوری بودن

اخلاق ایجاب می‌نمایند که وقتی شخصی برای امری به دادرسی احضار می‌گردد، از علت حضور خود آگاه شود و به خانواده و دوستان خود اطلاع دهد. در همین راستا علم حقوق نیز به موازات اخلاق ایجاب می‌نماید که: تفهیم اتهام باید فوری به عمل آید که شخص متهم با اطلاع از اتهام و علت تحت نظر قرار گرفتن خود قادر به دفاع از خود باشد و این قید «بلافاصله» در تفهیم اتهام، بیانگر فوری و آنی بودن تفهیم اتهام است و این اقدام مفید مقنن، از تحت نظر قرار گرفتن بازداشت متهم بدون اطلاع از اتهام و علت تحت نظر، ممانعت می‌کند و این اطلاع آنی از اتهام از حقوق بدیهی و اولیه متهم تحت نظر است که باید از آن مطلع گردد. در فوری بودن تفهیم اتهام این نکته حائز اهمیت است که ضابطین مراتب تفهیم اتهام به متهم را باید با ذکر ساعت و تاریخ صورتجلسه اعلام نمایند تا آگاهی از اجرای این تکلیف قانونی برای ضابطین به سهولت توسط مقامات قضایی قابل رصد و مشاهده باشد و قابلیت تطبیق با قانون و واقعیت داشته باشد و نباید فراموش کرد که فوری بودن تفهیم اتهام به این معناست که قبل از قراردادن فرد در تحت نظر، این تفهیم اتهام به عمل آید. در نظام کیفری ایران در کلیه فرایندهای قانونگذاری از جمله قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ در باب «حق تفهیم اتهام به متهم» از سرعت در آن سخن گفته شده و با آوردن قید «بلافاصله» مورد توجه قانونگذار قرار گرفته است. لزوم فوریت در تفهیم اتهام مانع از این است که مقام تحقیق آن را به تأخیر انداخته تا بتواند پس از طرح سؤالات پی در پی از متهم

دادگستری از ابلاغ شفاهی اتهام به متهم و یا عدم انعکاس وقایع در پرونده اتهامی برحذر داشته شده و شفاهی بودن تحقیقات مقدماتی در سیستم دادرسی کیفری منع شده و این امر جزء حقوق مسلم متهم است که نادیده گرفته نشده است» (۱۸).

پس اتهام باید به صورت مکتوب به متهم تفهیم و در صورت جلسه قید و به امضای متهم برسد، هرچند با توجه به اصل کتبی بودن تحقیقات عملاً در رویه قضایی به صورت کتبی تفهیم اتهام می‌شود، البته قابل ذکر است تفهیم اتهام به طفل نیز باید از طریق والدین یا سرپرستان قانونی صورت بگیرد (۱۹).

۳- مستدل بودن

در تفهیم اتهام صرف انجام تفهیم اتهام کفایت نمی‌کند، بلکه باید با دلیل و مستدل، این اتهام را به متهم تفهیم کرد که به چه علت و دلایلی فرد مورد اتهام واقع شده است و این علت‌ها و دلایل نیز توجیه‌پذیر و منطقی باشد تا از تفهیم اتهام واهی و بی‌دلیل به متهم خودداری گردد. بر اساس قواعد اخلاقی، آنچه مسلم است تصمیمات شتابزده و اتهام وارد کردن سریع و بی‌دلیل به دیگری امری نامعقول بوده و مورد پذیرش عقل نیست، پس بهتر آن است به هنگام اعلام جرم علیه اشخاص یا نطق در مجامع، جمیع جهات قضیه در نظر گرفته شود تا هم سبب آزار دیگران فراهم نیاید و هم موجب مسئولیت قانونی برای شخص وارد کننده اتهام نشود. پس اتهام باید با ذکر دلایل و علل‌های موجه به زبانی که برای متهم قابل فهم است و به صورت مشروح تفهیم شود (۲۰). بنابراین همان‌گونه که اخلاق ایجاب می‌نماید که کسی بدون دلیل نگهداری نشود، ایجاب می‌نماید که تفهیم اتهامی که به وی صورت می‌پذیرد، مستند و مستدل باشد، زیرا بعد از موضوع «کرامت انسانی» اولین حق برای متهم، «تفهیم اتهام» است، یعنی متهم به جرم انتسابی با ذکر دلیل آگاهی پیدا نماید. لازمه حمایت از حق دفاع متهم در دفع یا رد اتهام روا یا ناروایی که به او نسبت داده‌اند و نیز رعایت اصل برائت در این فرایند دادرسی، آگاهی او از موضوع اتهام و دلایل آن است، زیرا جهل نسبت به موضوع و دلایل اتهام موجب خدشه

و اخذ پاسخ وی، او را با تفهیم اتهام معوق، دفعتاً غافلگیر نموده و با استناد به پاسخ‌های اولیه متهم، راه دفاع را بر او مسدود یا تنگ نماید. تفهیم اتهام اعلام هشدار و آماده‌باش به متهم بوده و سرعت در آن موجب سرعت در اطلاع‌رسانی شده و در راستای تأمین اهداف و اغراض این تأسیس است، به طوری که تأخیر در تفهیم اتهام مانع تحقق اهداف مزبور می‌شود. هر قدر تفهیم اتهام با تأخیر صورت گیرد، فرصت و وقت متهم را برای دفاع تنگ‌تر می‌کند، لذا می‌توان گفت سرعت در تفهیم اتهام متضمن ایجاد فرصت دفاع برای متهم و برخورداری وی از تسهیلات دادرسی است. النهایه تأخیر در آن، نقض مؤلفه‌های دیگری از دادرسی عادلانه، یعنی تأمین فرصت و تسهیلات کافی و مناسب را در پی دارد (۱۱).

۲- کتبی بودن

طبق ماده ۴۶ قانون آیین دادرسی کیفری در جرائم مشهود چنانچه نگهداری متهم جهت تکمیل تحقیقات ضرورتی داشته باشد، می‌بایست اتهام و ادله آن به صورت کتبی توسط ضابطین تفهیم گردد. تفهیم کتبی اتهام به همراه ادله و توضیح اتهام وارده و روشن‌ساختن ابعاد آن برای متهم از جمله حقوق دفاعی متهم به شمار می‌آید (۱۷).

آنچه از مواد قانونی از جمله قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ در باب تفهیم اتهام به متهم به دست می‌آید و به صراحت بیان شده است، این است که تفهیم اتهام علاوه بر این‌که باید فوری باشد، بلکه باید به صورت مکتوب ابلاغ گردد و منظور از ابلاغ همان ابلاغ کتبی است، چون اگر منظور قانونگذار ابلاغ شفاهی بود، به جای «ابلاغ» از قید «اعلام» استفاده می‌نمود که به معنای اعلام شفاهی بود، ولی زمانی که مقنن از قید «ابلاغ» و «کتبی» استفاده کرده، باید این تفهیم اتهام آنطوری که مد نظر قانونگذار بوده، به عمل آید که همانا به صورت کتبی است. این موضوع ناظر به آن است که تحقیقات مقدماتی در سیستم دادرسی کیفری ایران «کتبی» است و بر این مبنا ضابطین دادگستری باید اتهام متهم و علت دستگیری و بازداشت اولیه وی را کتباً با درج در پرونده اتهامی به وی تفهیم و ابلاغ نمایند تا متهم بداند به چه دلیلی دستگیر و به چه جهتی بازداشت شده است. لذا، ضابطان

تفهیم اتهام به او گفته شود دیوار خانه شاکی پرونده را خراب کرده است و یا مثلاً اگر کسی خود را مأمور نیروی انتظامی معرفی کرده، باید به او گفته شود، متهم هستی که خود را مأمور نیروی انتظامی معرفی کرده‌ای و نباید لفظ جعل عنوان را به کار برد، زیرا این لفظ حقوقی است و متهم، چه بسا معنای لفظ حقوقی را نداند. از ماده ۱۹۵ نیز استفاده می‌شود که نه عنوان اتهام، بلکه موضوع اتهام و ادله آن باید به متهم تفهیم شود.

۵- منع تأخیر از تفهیم اتهام

تصریح بر عدم تأخیر در تفهیم اتهام از موارد دیگری است که از حقوق متهم به شمار می‌رود، ولی در قوانین به آن به خوبی پرداخته نشده است و این امر از اموری است که اگر به خوبی اجرا نشود، از آن سوءاستفاده می‌شود و با تأخیر در تفهیم اتهام به حقوق متهم تحت نظر آسیب وارد می‌آید (۱۸). چنانچه دلایل کافی مبنی بر ارتکاب جرم و توجه اتهام به شخص یا اشخاص معینی در اختیار قاضی تحقیق باشد، باید بر حسب مورد به عنوان متهم جهت تحقیق احضار یا جلب شود، اما در رویه قضایی کشورها مشاهده می‌شود که بعضاً فرد مزبور را به عنوان شاهد یا مطلع احضار و یا جلب کرده و پس از اخذ سوگند اطلاعات لازم را از وی اخذ و مکتوب می‌نمایند و سپس در همان جلسه با عنایت به دلایل تحصیل شده و اخذ اطلاعات مزبور به عنوان متهم به وی تفهیم اتهام می‌کنند. این روش خدعه‌آمیز از مصادیق بارز اخلال در حقوق دفاعی متهمان است، زیرا اطلاعات اخذ شده از سوی شاهد یا مطلع که به همراه اتیان سوگند بوده است، وی را در محذور اخلاقی قرار داده و چه بسا در اظهارات خود اتهامی ناخواسته مطرح کرده است. به علاوه شخص متهم به هنگام شروع به بازجویی از تضمینات لازم از جمله حق داشتن وکیل و اعلام آن در هنگام بازجویی برخوردار بوده است که با عنایت به عنوان شاهد یا مطلع از این حقوق محروم شده است. در حقوق فرانسه تأخیر از تفهیم اتهام به شیوه مزبور مردود و ممنوع اعلام شده است و این موضوع در بسیاری از کشورها موجب ابطال تحقیقات است. در حقوق ایران منع تأخیر از تفهیم اتهام با ترفندهایی که مورد اشاره قرار گرفت، منع نشده است و این

به حقوق و آزادی‌های فردی و به ویژه حق دفاع و نقض اصل برائت است. قانون آیین دادرسی کیفری ایران مانند مقررات کیفری سایر کشورها (از جمله آمریکا، انگلستان و لبنان) حق آگاهی تفصیلی از موضوع اتهام را به صراحت برای متهم پیش‌بینی نموده است (۲۱).

در قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ با آوردن قید (ضابطان باید موضوع اتهام و ادله آن را بلافاصله ابلاغ و تفهیم کنند) مسأله لزوم مستدل بودن تفهیم اتهام مطرح شده است.

۴- صریح بودن

تفهیم اتهام باید به شفافیت و روشنی صورت گیرد و باید به زبان و روشی انجام شود که برای متهم قابل درک و فهم باشد و مقصود آن را بفهمد. «تفهیم اتهام نباید با الفاظ کنایه‌آمیز یا به تعریض و با عبارات کلی و مبهم صورت گیرد، البته وقتی تفهیم اتهام به تفصیل باشد، خود به خود تا حد زیادی صراحت نیز دارد، یکی از عللی که می‌تواند به عدم صراحت تفهیم اتهام شده دامن بزند، عدم تشخیص دقیق وصف اتهامی توسط مقام قضایی است. معمولاً اگر تفهیم اتهام، همراه با مطلب دیگری خطاب به متهم نباشد، به صراحت آن کمک می‌کند. ماده ۱۲۹ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۷۸ ویژگی صراحت اتهام را از خصوصیات تفهیم اتهام برشمرده است»، ولی در قانون جدید آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ در نگارش مقنن عبارت (صریح بودن) بیان نشده است. پس تفهیم اتهام باید روشن و شفاف به عمل آید و معنای واقعی و حقیقی اتهام به متهم تفهیم شود تا از سوءبرداشت‌های متفاوت و غیر منطقی از سوی متهم خودداری شود.

شایسته ذکر است مخاطب قرارگرفتن وکیل متهم برای استماع آخرین دفاع او از موکل توسط قانونگذار تجویز شده است، و اگرچه مخاطب قرار تأمین کیفری باید شخص متهم باشد، در خصوص تفهیم اتهام به نظر می‌رسد فعل متهم باید به او تفهیم گردد، نه عنوان حقوقی فعل ارتكابی او. عنوان فعل، عنوان اتهام است و تشخیص این عنوان به عهده قاضی است، اگر به متهم گفته شود، کلاهبرداری کرده است، او نمی‌داند کدام یک از اعمال مشمول کلاهبرداری است. بنابراین موضوع اتهام باید در روز تحقیق به متهم اعلام گردد، مثلاً در

مطلب می‌تواند زمینه اخلال در حقوق دفاعی متهمان را فراهم سازد (۲۱).

۶- مفصل بودن

قید «به تفصیل» مفهومی فراتراز کامل بودن دارد. موضوع اتهام نه فقط باید به طور کامل به متهم تفهیم شود، بلکه در مقام تفهیم اتهام باید جزء به جزء اتهام به متهم تفهیم شود، مثلاً در تفهیم اتهام سرقت، ارزش مال مسروق و نوع جنس آن باید تفهیم گردد. علی‌رغم این‌که در همه اسناد بین‌المللی مربوطه، از ویژگی مفصل بودن تفهیم اتهام سخن رفته، در قوانین ایران چنین ویژگی برای تفهیم اتهام پیش‌بینی نشده است. کمیته حقوق بشر در قضایای مختلف بر این امر تأکید کرده است که اطلاعات باید صریح و دقیق بوده و از یکسو شامل جزئیات دلایل و حقایق مربوط به جرم، از جمله مشخصات بزه‌دیده باشد و از سوی دیگر توصیف قانونی مسأله را به صورتی که برای متهم قابل فهم باشد، دربر گیرد. در واقع هرگونه اطلاعاتی که به منظور دفاع مناسب فرد از خویش ضروری است، باید در اختیار او گذاشته شود (۱۸).

فرد پیش از سلب نوعی آزادی از او در جریان علت اتهام تحت نظر قرار گرفتن خود قرار گیرد (۶).

هر فردی که دستگیر یا بازداشت می‌شود، باید فوراً از دلایلی که موجب محرومیت از آزادی‌اش شده، مطلع شود. هدف اصلی از الزام آگاه کردن این است که فرد بازداشت‌شده بتواند به اعتبار بازداشت از لحاظ قانونی اعتراض کند. بنابراین دلایل ارائه‌شده باید مشخص بوده و شامل توضیح واضحی از اساس قانونی و واقعی بودن دستگیری یا بازداشت باشد. به عبارتی حق اطلاع متهم از دلایل اتهام، احترام به حق دفاع او و برقراری موازنه میان او و مدعی به حساب می‌آید، زیرا جهل و عدم اطلاع متهم از دلایل آن موجب تضییع حق دفاع و آزادی‌های فردی او می‌شود. قوانین ایران به فرد زندانی حق می‌دهد تا از دلایل دستگیری در اسرع وقت اطلاع یابد. این قصد قانونگذار در وضع قوانین مربوط به ارائه برگ جلب هنگام دستگیری، به حضوررسانیدن سریع متهم نزد مقام قضایی و تفهیم ادله اتهام در اسرع وقت استنباط می‌شود (۲۳).

تفهیم حق داشتن وکیل به متهم در قانون آیین

دادرسی کیفری

حق داشتن وکیل و اعلام آن از زمان کشف جرم تا اجرای حکم صادره، از مهم‌ترین تضمینات حقوق دفاعی متهم است. حق داشتن وکیل در کلیه مراحل دادرسی کیفری یک حق مسلم است که برای متهم شناخته شده است. عقل و انصاف حکم می‌کند که با پیچیده‌شدن مسائل حقوقی به ویژه در امور کیفری که با آبرو و حیثیت و جان و عرض افراد در ارتباط است، متهم بتواند در دفاع از خود که مستلزم آگاهی از قوانین و مسائل حقوقی است از وجود وکیل مدافع برخوردار شود (۲۴).

اصل ۳۵ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به صراحت داشتن وکیل را حق اصحاب دعوا دانسته و حتی از تکلیف حکومت نسبت به تعیین وکیل رایگان برای آن‌ها سخن می‌گوید، ولی از تفهیم این حق سخنی نگفته است. اصل ۳۵ قانون اساسی مقرر می‌دارد: «در همه دادگاه‌ها طرفین دعوا حق دارند برای خود وکیل انتخاب نمایند و اگر توانایی انتخاب

قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ و حقوق متهم

با تدقیق در محتوای قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲، می‌توان حساسیت مقنن ایرانی را نسبت به رعایت دقیق محدوده اختیارات و تکالیف مقامات قضایی و ضابطین دادگستری متناسب با حقوق بزه‌کار، بزه‌دیده، گواهان و سایر افراد ذی‌نفع در پرونده کیفری، کاملاً لمس نمود. مفاد این قانون بیانگر موشکافی مقنن از قواعد کلی حاکم بر دادرسی‌ها و پرداختن به جزئی‌ترین حقوق متصوره برای متهم در فرایند دادرسی کیفری می‌باشد. قانونگذار ایرانی در قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲، ضمن موادی بر حق متهم از اطلاع یافتن بر ادله اثبات جرم نیز تأکید نموده است (۲۲).

لذا حق تفهیم ادله اتهام به عنوان یکی از حقوق اساسی متهم در نظام کیفری ایران مورد توجه قرار گرفته است و پلیس را مکلف نموده است که در صورت ضرورت بازداشت و تحت نظر قراردادن متهم باید ادله اتهام وی تفهیم و ابلاغ شود و این امر باید قبل از تحت نظر قراردادن وی صورت گیرد تا

وکیل را نداشته باشند، باید برای آنان امکانات تعیین وکیل فراهم گردد.»

یکی از اصول مسلم حقوقی، برتری قانون اساسی نسبت به سایر مقررات و قوانین کشور است. بر این اساس هیچ قانونی نمی‌تواند حق مسلم آحاد ملت را در برخورداری از وکیل در مقام مرافعه سلب یا به هر شکلی محدود نماید. با توجه به اطلاق اصل فوق‌الذکر، سیاسی‌بودن اتهامات نیز نمی‌تواند دلیل موجهی برای محروم‌ساختن متهم یا طرف دعوا از حق دسترسی به وکیل باشد؛ نه تنها دولت باید با وکیل معرفی شده همکاری نماید، حتی مکلف است برای متهم یا طرفی که شرایط معرفی وکیل را ندارد، مانند کسی که وکیلی را جهت تعرفه سراغ ندارد، وکیل معاضدتی یا تسخیری معرفی نماید (۲۶).

لذا اصل دادرسی عادلانه و منصفانه حکم می‌کند که متهم از داشتن وکیل بهره‌مند باشد. داشتن وکیل تضمین‌کننده حق دفاع متهم است. مهم‌ترین معیار تضمین حق دفاع متهم، پیش‌بینی حق انتخاب وکیل برای وی در قوانین شکلی (آیین دادرسی کیفری) است. قانون اخیر آیین دادرسی کیفری حرکت به سمت سیستم دادرسی اتهامی دارد. دادرسی اتهامی ترافعی است، و طرفین می‌توانند از همان ابتدا وکیل خود را معرفی کنند و در این نظام دادرسی اتهامی حق دفاعی متهم به خوبی تضمین گردیده و از محاسن این نظام دادرسی این مشخصه انتخاب وکیل در ابتدای امر است (۲۶). به طور کلی داشتن وکیل در قوانین جمهوری اسلامی ایران تأیید شده است، اما در تحقیقات مقدماتی و مرحله تحت نظر قراردادن متهم نخستین باری است که به صراحت چنین حقی برای متهم پیش‌بینی شده است (۱۱).

در این راستا، از مهم‌ترین تحولات ایجاد شده در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ این است که به محض این‌که شخصی به عنوان متهم تحت نظر قرار گرفت، می‌تواند «درخواست ملاقات با وکیل مدافع» را داشته باشد (۲۷).

در این ملاقات که نباید بیش از یک ساعت به طول بینجامد، لازم است به «محرمانه‌بودن تحقیقات و مذاکرات»، به ترتیب پیش گفته، دقت شود و در پایان وکیل مدافع

می‌تواند نکاتی را که تأمین‌کننده حقوق موکلش باشد، کتبا برای درج در پرونده ارائه نماید. طبق ماده ۴۸ قانون آیین دادرسی کیفری «با شروع تحت نظر قرارگرفتن، متهم می‌تواند تقاضای حضور وکیل نماید. وکیل باید با رعایت و توجه به محرمانه‌بودن تحقیقات و مذاکرات، با شخص تحت نظر ملاقات نماید و وکیل می‌تواند در پایان ملاقات با متهم که نباید بیش از یک ساعت باشد، ملاحظات کتبی خود را برای درج در پرونده ارائه دهد» (۲۸).

«حق درخواست ملاقات با وکیل مدافع» برای شخص تحت نظر، از زمره حقوق دفاعی فرد مزبور است که نوعاً بیشتر مردم و شهروندان فاقد هرگونه اطلاع لازم در این باره بوده و یا از جهت هزینه بر بودن کار وکالت، از اعمال آن خودداری می‌نمایند. این مهم باید از سوی رسانه‌ها و نهادهای متولی امر وکالت و قضاوت در جامعه، در قالب «آموزش فرهنگ وکالت و حقوق شهروندی» به طور گسترده‌ای فرهنگ‌سازی و ترویج گردد (۲۹).

ماده ۴۸ سخنی از ضرورت تفهیم حق داشتن وکیل به متهم در ابتدای مرحله تحت نظر به میان نیاورده است. از متن این ماده (حق متهم) مبنی بر درخواست حضور وکیل استنباط می‌گردد، نه «تکلیف ضابطان» مبنی بر اعلام این حق به او. با وجود این، به نظر می‌رسد که داشتن حق ملاقات با وکیل باید در ابتدای تحت نظر قرارگرفتن به شخص متهم تفهیم شود. باید توجه داشت که تکلیف ضابطان به این امر از مواد ۶ و ۵۲ آن قانون ناشی می‌شود و رعایت مقررات ماده ۵۲ مبنی بر تکلیف به تفهیم داشتن حق وکیل در مورد متهمی هم که به دستور مقام قضایی جلب شده، ضروری است، چه این‌که تبصره ماده ۱۸۵ قانون فوق‌الذکر «رعایت مقررات مواد ۴۹ تا ۵۳ این قانون در خصوص متهمان جلب شده» را الزامی دانسته است.

افزون بر این، در راستای اجرای مقررات ماده ۶۱ قانون آیین دادرسی کیفری «تمام اقدامات ضابطان دادگستری در انجام تحقیقات باید مطابق ترتیبات و قواعدی باشد که برای تحقیقات مقدماتی مقرر است»؛ ضابطان نیز همانند بازپرس

عدالت است. تفهیم این حق در تحقیقات مقدماتی موجب برقراری توازن و تحقق اصل تساوی سلاح‌ها در روند دادرسی کیفری است، زیرا حضور قضات مجرب تعقیب، شاکی خصوصی، وکیل یا وکلای او و ضابطان دادگستری در سازمان دادرسی که به انگیزه حمایت از حقوق جامعه و زیان‌دیده از جرم در امر جمع‌آوری دلایل به ضرر متهم اشتغال دارند، مستلزم وجود حقوقدانانی فعال و برجسته در کنار متهم به منظور دفاع از حقوق قانونی وی است. حضور وکیل مدافع متهم در تحقیقات موجب جلوگیری از نابسامانی در امر تحقیق به ضرر وی و قوت قلب اوست (۲۱).

تفهیم حق داشتن وکیل مطلع و آگاه از قوانین در دفاع از حقوق مادی و معنوی افراد در هر جامعه‌ای از موارد و مصادیق حقوق شهروندی است و حق داشتن وکیل به منظور ایجاد زمینه احقاق حق و در نتیجه ایجاد آرامش و امنیت از طریق اجرای صحیح قوانین و مقررات است. فلسفه حضور وکیل در محاکم و در پرونده‌های حقوقی و کیفری، احقاق حقوق اصحاب دعوی و قراردادن پرونده‌ها در مسیر صحیح قانونی است، زیرا افرادی که به مقررات قانونی آشنایی ندارند، با طرح شکایت یا دعوی به شکل ناصحیح آن موجب اتلاف وقت دادگاه می‌شوند و پرونده در مجرای صحیح سیر نمی‌کند و اینجاست که حضور وکیل کمک شایانی به حسن جریان امور و روشن‌شدن نکات مجهول پرونده در نزد قاضی می‌کند (۲۵).

یکی از جلوه‌های مهم اجرای حقوق دفاعی در راستای تضمین عادلانه‌بودن دادرسی، امکان استفاده از خدمات و مساعدت‌های حقوقی - قضایی در فرایند دادرسی‌های کیفری خواهد بود. تدارک یک دفاع مطلوب و پاسخ به ادعاهای دادستان، در بدو امر، محتاج آگاهی و اطلاع از اتهام و سپس برخورداری از توانایی دفاع خواهد بود. متهم در برابر مقام تعقیب معمولاً از توانایی کم‌تری برخوردار است و اصل تساوی سلاح‌ها و رعایت حقوق دفاعی او ایجاب نماید که وی از یکسو حق دسترسی به وکیل و مشاور حقوقی داشته باشد و از سوی دیگر هرگاه متهم، زبان مرجع قضایی را درک نکند یا در ارتباط با آن دچار اشکال شود و یا امری فنی و تخصصی

ماده ۱۹۰، مکلفند که حق داشتن وکیل را به شخص در آغاز مرحله تحت نظر تفهیم کنند.

از اطلاق عبارت صدر ماده ۴۸ مبنی بر «با شروع تحت نظر قرارگرفتن» نیز چنین استنباط می‌گردد که برخورداری از این حق شامل تمامی متهمین تحت نظر، اعم از این‌که در جرائم مشهود باشد یا در راستای جلب از سوی مقام قضایی، می‌شود (۳۰).

این پرسش درباره ماده ۴۸ مطرح است که آیا آگاه‌کردن شخص تحت نظر از این حق و دعوت وکیل وی کافی است و ضابطان می‌توانند قبل از رسیدن وکیل بازجویی خود را آغاز کنند؟ ضابطان بر اساس این ماده فقط مکلف به تماس با وکیل شخص تحت نظرند، یعنی اگر متهم تقاضای دیدن وکیل خود را داشت اطلاع به وکیل هم الزامیست، ولی ضابط الزامی ندارد که تا رسیدن وکیل صبر کند، به این معنی که نتیجه این تماس، یعنی حضور یا عدم حضور وکیل در این ماده بیان نشده است. وکیل، گاهی امکان مراجعه به کلانتری را نداشته و گاهی تمایلی به این کار ندارد. بی‌تردید رعایت حقوق متهمین در این مرحله، بستگی به آموزش‌های خاص انتظامی و قضایی ضابطین دادگستری و آگاهی آنان نسبت به مقررات آیین دادرسی کیفری در مرحله کشف جرم دارد (۲۴).

مبانی اخلاقی حق داشتن وکیل و تفهیم آن به متهم

فلسفه وجودی این حق در مرحله تحقیقات مقدماتی از آنجا ناشی می‌شود که متهم در دفاع از خود در مقابل مقام تحقیق که آشنا به مسائل حقوقی و قوانین مدون است، باید بتواند از مساعدت افراد آگاه و دارای تخصص حقوقی برخوردار باشد تا توازن و تساوی متهم و مقام تحقیق در اطلاعات و تجارب حقوقی و استفاده مؤثر از قانون حفظ شود. اصل ۱۵۶ قانون اساسی، قوه قضاییه را پشتیبان حقوق فردی و اجتماعی و مسؤول تحقق بخشیدن به عدالت قلمداد کرده است.

تفهیم حق داشتن وکیل در تحقیقات مقدماتی و لزوم حضور و فعالیت قانونی وی در دفاع از حقوق موکل به ویژه در هنگام بازجویی تضمینی بسیار اساسی در جهت حفظ حقوق و آزادی‌های فردی و جلوگیری از اخلاص به حق دفاع و تضییع

انتظامی یا کیفری و مدنی را دربر می‌گیرد. این دسته از ضمانت اجراها برهدف تضمینات مربوط به جریان دادرسی، علیه مسؤولین و مقامات درگیر در فرایند دادرسی کیفری که با عملکرد خود باعث نقض اصول بنیادین دادرسی می‌شود، اتخاذ می‌شود.

در این راستا، عملکرد اصول بنیادین نیز از طریق پیش‌بینی ضمانت اجرای مربوط به جریان دادرسی و همچنین ضمانت اجرای مربوط به نقض کنندگان اصول تأمین می‌شود. یکی از ابزارهای تأمین‌کننده حقوق متهم، اتخاذ قانونگذاری جهت برخورد قانونی با نقض کنندگان حقوق متهم می‌باشد که باید با ظرافت خاص مورد توجه مقنن قرار گیرد. در ادامه به ضمانت اجرای تخلف ضابطین و مقامات قضایی از حدود قانونی و نقض حقوق متهم پرداخته می‌شود (۱۱).

۱- ضمانت اجرای کیفری مقامات قضایی

احیای نظم در اجتماع و بازسازی روابط اجتماعی شهروندان از طریق اعمال ضمانت‌اجراهای کیفری در جامعه، یکی از سازوکارهایی است که در حقوق پیش‌بینی شده است. تعیین مجازات برای عدول از اصول بنیادین، بیانگر اهمیت آن‌ها در سیاست کیفری و تلاش قانونگذار برای حمایت کیفری از آن‌هاست (۳۲).

در ماده ۷ قانون آمده است: «در تمام مراحل دادرسی کیفری، رعایت حقوق شهروندی مقرر (قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی مصوب ۱۳۸۳/۲/۱۵) از سوی تمام مقامات قضایی، ضابطان دادگستری و سایر اشخاصی که در فرایند دادرسی مداخله دارند، الزامی است. متخلفان علاوه بر جبران خسارات وارد شده به مجازات مقرر در ماده ۵۷۰ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده) محکوم می‌شوند، مگر آنکه در سایر قوانین مجازات شدیدتری مقرر شده باشد» (۱۱).

ماده ۵۷۰ قانون مجازات اسلامی بیان می‌دارد: «هر یک از مقامات و مأمورین وابسته به نهادها و دستگاه‌های حکومتی که برخلاف قانون، آزادی شخصی افراد ملت را سلب کند یا آنان را از حقوق مقرر در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران محروم کند، علاوه بر انفصال از خدمت و محرومیت یک تا پنج سال از

مطرح باشد که نیازمند اظهار نظر اهل فن است، از مساعدت مترجم و کارشناس بهره‌مند گردد.

بنا بر اصل لزوم دسترسی به تسهیلات دفاعی لازم، متهم حق دارد از امکانات مورد نیاز برای تدارک دفاع از خود بهره‌مند باشد. مهم‌ترین این امکانات، دسترسی به وکیل یا مشاور حقوقی و داشتن زمان کافی برای فراهم کردن ادله است. دسترسی به وکیل یا مشاور حقوقی یکی از اصول اولیه دادرسی عادلانه است، چراکه در مقابل تخصص حقوقی دادستان، متهم بدون آگاهی از قواعد و آیین حقوقی نمی‌تواند به نحو شایسته از خود دفاع کند. برای رفع این نابرابری دسترسی به وکیل مورد توجه قرار گرفته است و اصل برابری سلاح‌ها که از اصول مهم دادرسی منصفانه است، در اسناد بین‌المللی و حقوق داخلی نیز مورد توجه قرار گرفته است (۳۱).

ضمانت اجرای عدم تفهیم حقوق دفاعی به متهم در قانون آیین دادرسی کیفری

مقرراتی که در راستای حفظ حقوق متهم وضع می‌شود، کاری صحیح و منطبق بر اصول دادرسی عادلانه و منصفانه است که حقوق متهم در تمام مراحل فرایند دادرسی تضييع نگردد، متهمی که هنوز اتهام وی ثابت نشده و بنا بر اصل برائت، فرض بر بی‌گناهی و تبرئه اوست. حال که قانونگذار با پیش‌بینی الزاماتی برای ضابطین دادگستری و مقامات قضایی در جهت حفظ حقوق متهم گام‌هایی برداشته است، بی‌تردید بدون ضمانت اجرایی لازم فاقد کارایی می‌باشد و «بهترین راه حمایت از حق این است که دولت وسایلی را برانگیزد که از وقوع تجاوز جلوگیری کند» (۳۲).

یکی از ویژگی‌های بنیادین حقوق، داشتن ضمانت اجراست. اگر تابعان حقوق، خود را در اجرای قواعد حقوقی، آزاد و بدون مکافات تصور نمایند، چگونه می‌توان هدف حقوق را که تنظیم روابط اشخاص و برقراری نظم در اجتماع است، محقق نمود. قواعد و اصول دادرسی نیز به عنوان بخشی از قواعد حقوقی با ضمانت اجراهای خاص خود از سوی قانونگذار و رویه قضایی مورد حمایت قرار گرفته است. برخی از این ضمانت اجراها جنبه شخصی داشته و طیف گسترده‌ای از تدابیر اداری -

مشاغل حکومتی به حبس از دو ماه تا سه سال محکوم خواهد شد».

۲- مسؤولیت مدنی مقامات قضایی

در کنار ابزارهای قهرآمیز، قانونگذار تدابیر دیگری را مورد توجه قرار داده است، از جمله جبران خسارات وارده بر شهروندان که همان مسؤولیت مدنی می‌باشد.

ماده ۲۵۵ یک نوآوری در این زمینه است. می‌توان گفت که بازداشت اشخاص بی‌گناه یا اشخاصی که هنوز محکوم نشده‌اند، امری خلاف اصل برائت است، و لذا چنانچه پس از بازداشت اشخاص مشخص شود که این افراد مستحق بازداشت نبوده‌اند، شخص بازداشت‌شده می‌تواند کلیه ضرر و زیان‌های مادی و معنوی و منافع ممکن‌الوصولی که در اثر بازداشت از دست داده است، را مطالبه نماید (۳۲).

۳- مسؤولیت انتظامی مقامات قضایی

برابر تبصره ۱ سابق ماده ۱۹۰ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲/۴/۱۲ «سلب حق همراه‌داشتن وکیل یا عدم تفهیم این متهم، موجب بی‌اعتباری تحقیقات می‌شود.» اما در پی اصلاح به عمل آمده در تاریخ ۱۳۹۴/۳/۲۴ ترتیب مزبور، برخلاف الزامات قانونی پیش‌گفته، از تبصره مزبور، متأسفانه بی‌اعتباری تحقیقات به دلایل نامعلومی حذف شده و «مجازات سلب حق همراه‌داشتن وکیل و عدم تفهیم این حق به متهم» به ترتیب مقرر در آن به مجازات انتظامی درجه هشت و سه تبدیل شده است.

می‌توان گفت که ماده ۱۹۰ قانون، از نوآوری‌های جدی و اساسی برخوردار شده است، اما مفاد اصلاحی ۱۳۹۴/۳/۲۴ مقرر در تبصره ۱ ذیل آن ماده، به ترتیب یادشده، به بدعتی مغایر با حقوق دفاعی متهم و نقش وکیل مدافع وی و موازین حقوقی و قانونی یادشده، به نظر می‌رسد. ماده مارالذکر در قیاس با قبل از ترتیب اصلاحی مورخ ۱۳۹۴/۳/۲۴، نسبت به تبصره اصلاحی به عمل آمده در آن، به ترتیب مزبور از اثربخشی نگاه مقنن نسبت به «عدالت کیفری» مقرر در این قانون، به شدت کاسته است. با وجود این صرف نظر از ترتیب اصلاحی مقرر در تبصره فوق، الزام مقرر در ماده مزبور، در خصوص «حق همراه‌داشتن وکیل از سوی متهم و تفهیم این

حق از سوی بازپرس به وی، قبل از شروع تحقیقات مقدماتی»، تحولی اساسی و مهم در دادرسی کیفری نسبت به حقوق متهم و وکیل مدافع وی به شمار رفته که منطبق با اصول حقوق بین‌الملل بشر است و در قانون سابق، ترتیب مزبور مقرر نشده بود (۲۸).

با وجود این، با توجه به تبصره ماده ۱۹۰ این قانون، این مسأله را می‌توان از جمله مواردی دانست که لطمه اساسی به حقوق و منافع متهم وارد می‌سازد. از این رو عملاً می‌توان اقدام‌های مقامات قضایی را بدون رعایت تفهیم این حق اساسی، بی‌اعتبار دانست.

عدم تفهیم این حق به متهم، مجازات انتظامی درجه سه دارد که با توجه به ماده ۱۳ قانون نظارت بر رفتار قضات مصوب ۱۳۹۰/۷/۱۷ عبارتست از کسر حقوق ماهانه تا یک‌سوم از یک ماه تا شش ماه. سلب حق همراه‌داشتن وکیل مستلزم مجازات انتظامی درجه هشت است که بر طبق همان ماده، انفسال موقت از یک ماه تا شش ماه است (۱۷).

وفق ماده ۱۹۶ قانون آیین دادرسی کیفری: «تخلف از مقررات مواد ۱۹۳ تا ۱۹۵ این قانون موجب محکومیت انتظامی تا درجه چهار است.»

وفق ماده ۱۹۴، «بازپرس در ابتدای تحقیق به متهم تفهیم می‌کند محلی را که برای اقامت خود اعلام می‌نماید، محل اقامت قانونی او است و چنانچه محل اقامت خود را تغییر دهد، باید محل جدید را به گونه‌ای که ابلاغ ممکن باشد اعلام کند و در غیر این صورت، احضاریه‌ها و سایر اوراق قضائی به محل اقامت اعلام شده قبلی فرستاده می‌شود. تغییر محل اقامت به منظور تأخیر و تعلل به گونه‌ای که ابلاغ اوراق دشوار باشد، پذیرفته نیست و تمام اوراق در همان محل اعلام شده قبلی ابلاغ می‌شود. تشخیص تغییر محل به منظور تأخیر و تعلل، با مقامی است که به اتهام رسیدگی می‌کند...».

ماده ۱۹۵ قانون آیین دادرسی کیفری نیز مقرر می‌دارد: «بازپرس پیش از شروع به تحقیق با توجه به حقوق متهم به وی اعلام می‌کند مراقب اظهارات خود باشد. سپس موضوع اتهام و ادله آن را به شکل صریح به او تفهیم می‌کند و به او اعلام می‌نماید که اقرار یا همکاری مؤثر وی می‌تواند موجبات

مواد زیر عمده دلایلی است که بر حق طرف‌های دعوا بر آگاهی یافتن از حقوقشان در قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲، به طور صریح تأکید دارد.

ماده ۴۶ در مرحله تحت نظر به طور صریح به تفهیم موضوع اتهام و ادله آن در جرائم مشهود در صورت بازداشت و تحت نظر قرارگرفتن متهم اشاره کرده است و به همین منوال است: ماده ۳۸: تفهیم حق درخواست جبران خسارت و بهره‌مندی از خدمات مشاوره‌ای موجود و سایر معاضدت‌های حقوقی به شاکی توسط ضابطان دادگستری، ماده ۱۹۰: تفهیم حق داشتن وکیل به متهم توسط بازپرس، ماده ۱۹۴: بازپرس به متهم تفهیم نماید محلی را برای ابلاغ اوراق قضایی مشخص کند، ماده ۱۹۵: اعلام کردن بازپرس به متهم که مراقب اظهارات خود باشد و تفهیم اتهام و ادله آن به او و اعلام کند که با اقرار و همکاری مؤثر، وی می‌تواند موجبات تخفیف مجازات را برای خود در نزد دادگاه فراهم سازد، ماده ۲۰۹: تفهیم حرمت و مجازات شهادت دروغ به شاهد توسط بازپرس، تبصره ۲ ماده ۶۶: آگاه کردن بزه‌دیدگان جرائم موضوع ماده ۶۶ از کمک‌های سازمان‌های مردم‌نهاد توسط ضابطان دادگستری و مقامات قضایی.

با وجود این در باب تفهیم حقوق و ضمانت اجرای آن‌ها خیلی جاها به علت غفلت، فراموشی یا بدیهی دانستن حق طرف‌های دعوی بر آگاهی از حقوقشان، مقرراتی به شفافیت وضع نشده و نقایص و کاستی‌هایی به صورت ابهام، اجمال، تعارض و سکوت در قانون ملحوظ نظر است. از جمله حقوقی که تکلیف تفهیم در آن‌ها تصریح نشده است، عبارتند از: ماده ۴۸: حق داشتن وکیل برای متهم تحت نظر، ماده ۵۰: حق مطلع ساختن افراد خانواده یا آشنایان، ماده ۵۱: حق معاینه پزشکی و ماده ۱۹۷: حق سکوت در نزد بازپرس.

تخفیف مجازات وی را در دادگاه فراهم سازد و آنگاه شروع به پرسش می‌کند. پرسشها باید مفید، روشن، مرتبط با اتهام و در محدوده آن باشد. پرسش تلقینی یا همراه با اغفال، اکراه و اجبار متهم ممنوع است».

نتیجه‌گیری

تحقق دادرسی عادلانه مستلزم تفهیم حقوق طرف‌های دعوی از سوی ضابطان دادگستری و مقامات قضایی با پایبندی به اصول اخلاقی و قانونی است. ورود اخلاق به حوزه حقوق را می‌توان از دو منظر بررسی کرد: نخست، توجیه دخالت هنجارهای اخلاقی در قواعد حقوق و عکس آن؛ دوم، راه‌های ورود هنجارهای اخلاقی به عرصه حقوق؛ اگرچه مرز این دو باریک است و گاه هر یک از آن‌ها مبنای ورود به بحث دیگر است، اما آنچه در این جا مورد توجه قرار می‌گیرد، راه ورود اخلاق به حقوق است. بر این اساس، از آنجا که حقوق و یا به عبارت دیگر موضوع حقوق را هنجارهایی با ضمانت اجرای مؤثر تشکیل می‌دهند، بحث از چگونگی راه‌های ورود اخلاق به حوزه حقوق با مبحث منابع حقوق گره می‌خورد.

قانون به عنوان منبع نخستین حقوق از یک دیدگاه ناگزیر با اخلاق، البته نه در همه حال، همسو و هم‌هدف است و از دیدگاه دیگر هدف حقوق به ناچار، قانون را اخلاقی می‌کند. از نظرگاه نخست در هر جامعه‌ای حداقل معیارهای مشترک و پراهمیتی وجود دارند که هم نظام اخلاقی و هم نظام حقوقی، ناگزیر آن‌ها را در خود دارند و در این راستا، نظام دادرسی از این قاعده مستثنی نمی‌باشد. بنابراین اخلاق و قانون و حتی شرع مقدس در خصوص تفهیم اتهام به متهم باید همگام و همسو باشند. در جهت تحقق این هدف، آیین دادرسی کیفری جدید جایگاه ویژه‌ای برای این حق مخصوصاً در مرحله تحقیقات مقدماتی قائل شده است. مقنن در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ برای طرف‌های دعوی با وجود اشکالات و ایرادات، از جنبه‌های مثبت بسیاری در رعایت حق آگاهی طرف‌های دعوی از حقوقشان در تضمین دادرسی عادلانه برخوردار است. در حوزه تقنینی، تفهیم حقوق متهم، بزه‌دیده و شاهد دربرخی موارد به طور صریح اشاره شده است.

References

1. Montaser Asadi F. The right of the accused to defend himself in the preliminary investigation. Master's thesis. Tehran: University of Tehran; 1980. p.14.
2. Ashouri M. Criminal Procedure. 9th ed. Tehran: Samt Publications; 2008. Vol.2 p.87.
3. Shamloo Ahmadi MH. Prosecutor's Office and Preliminary Investigation. 1st ed. Isfahan: Dadiar Publications; 2004. p.336.
4. Mossadegh M. Criminal Procedure. Tehran: Jangal Publications; 2014. p.234.
5. Tadayon A. Analysis of Reason in Criminal Procedure. 2nd ed. Tehran: Mizan Publications; 2009. p.180.
6. Akhoondi M. Applied Criminal Procedure. 2nd ed. Tehran: Mizan Publications; 2005. Vol.5 p.118.
7. Brown C. Fair Trial, Language and the Right to Interpretation. *International Journal on Minority and Group Rights* 2006; 13(4): 391-412.
8. Khaleghi A. Notes on Criminal Procedure. 4th ed. Tehran: Shahr-e Danesh Institute for Legal Research Publications; 2016. p.188.
9. Ibn Manzoor A. Arabic Language. Beirut: Dar Al-Ahya al-Tarath al-Arabi; 1995. Vol.10 p.86.
10. Abu Ali Al-Miskawayh M. Tahzib Alakhlagh va Tathir Alaaragh. Qom: Bidar Publications; No Date. p.51.
11. Veraei A, Bahramipour R, Parakoohi ME. The rights of the accused under review in the Iranian criminal law system. 1st ed. Tehran: Behnami Publications; 2015. p.93.
12. Habibzadeh MJ, Sadeghi V. Identification and Management of the Accused's Right to Silence. *Legal Journal of Justice* 2016; 80(95): 68-92.
13. Del Vecchio G. Philosophy of Law. Translated by Vahedi J. 2nd ed. Tehran: Mizan Publications; 2007. p.23.
14. Pahlavan MJ. An Introduction to Understanding the Right of the Accused in Iranian Criminal Law and International Documents. Tehran: Ferdowsi Publications; 2017. p.51.
15. Veraei A, Hariri M. Fair and just trial. 1st ed. Tehran: Ariadad Publications; 2016. p.21.
16. Mahdavi D, Quoting Ashouri M. Alternatives to imprisonment or intermediate punishments. 11th ed. Tehran: Samt Publishing; 1909. p.135.
17. Vanaki AR, Hosseini M, Najafi Tavana A. Border of the Code of Criminal Procedure with the latest amendments. 1st ed. Tehran: Khorsandi Publications; 2016. p.68.
18. Mohtarami M. Officers in the subject laws of Iran. Master Thesis in Criminal Law and Criminology. Arak: Islamic Azad University of Arak; 2010. p.61-63.
19. Sandyani M. The rights of the accused under review. Master's thesis, criminal law and criminology. Tehran: Majd; 2013. p.62.
20. Talebi J. Citizenship Rights in Criminal Matters. Tehran: Baharan Press; 2017. p.63.
21. Moazenzadegan HA. Defendant's Law. Shargh Newspaper; 2006. No.772 p.21.
22. Pourghahremani B, Rasouli V. The position of the defendant's right to positive evidence in criminal matters in Iranian law with emphasis on Law 92. *Detective* 2015; 9(33): 13-37.
23. Rajabi E. Civil Rights Police. Master Thesis in Criminal Law and Criminology. Tehran: Mofid University; 2007. p.54.
24. Moazenzadegan HA. A Comparative Study of the Duties and Powers of Judicial Officers in the Current Regulations and the Criminal Procedure Bill of the Encyclopedia of Criminal Sciences. 1st ed. Tehran: Mizan; 2012. Book.2 p.182.
25. Keyhan A. Iranian criminal policy in the field of understanding the charges and the right to remain silent in guaranteeing the rights of the accused in the trial process with emphasis on international documents. M.Sc. Thesis. Bushehr: Azad University; 2015. p.45.
26. Rahimi M, Rahimi Dehsouri R. Criminal Procedure (Doctrine and Judicial Procedure). 1st ed. Tehran: Javadaneh Publications, Jangal; 2016. p.68.
27. Padmehr P. Innovations in the new law of criminal procedure. *Journal of Legal Studies* 2014; 14(31): 37-58.
28. Zamani Darmzari MR. Achievements and Innovations of the Code of Criminal Procedure. Tehran: Kelk Simin Publications; 2016. p.58
29. Rahimi M, Dehsouri R. Criminal Procedure. Tehran: Javedaneh Publications; 2018. p.119.
30. Bagherinejad Z. Principles of Criminal Procedure. 1st ed. Tehran: Khorsandi; 2015. p.94.
31. Katuzian N. Introduction to Law and Study in the Iranian Legal System. Tehran: Publishing Company; 2007. p.318.

32. Goldoust Juybari R, Bagherinejad Z. Criminal, Civil and Disciplinary Liability for Violators of the Basic Principles of Criminal Procedure. *Quarterly Journal of Criminal Law Research* 2014; 11(5): 81-99.